**باسمه تعالی**

[**روایت چهارم** 1](#_Toc468707358)

[مناقشه در استدلال به این روایت 2](#_Toc468707359)

[جواب 2](#_Toc468707360)

[مناقشه شیخ انصاری ره 3](#_Toc468707361)

[جواب 3](#_Toc468707362)

[رفع ید از روایت به خاطر وجود قرینه 4](#_Toc468707363)

[قرینه أول 4](#_Toc468707364)

[قرینه دوم: فتاوای عامه 5](#_Toc468707365)

**موضوع**: کتاب الصلاۀ/اوقات نماز های یومیه /أدله حرمت تأخیر نماز از وقت فضیلت/تقویت استدلال به روایت چهارم

**خلاصه مباحث گذشته:**

بحث راجع به این بود که برخی گفته اند: نماز های یومیه دو وقت دارد؛ یک وقت اختیاری و یک وقت اضطراری ؛و جایز نیست نماز را بدون عذر از وقت اختیاری تأخیر انداخته شود.

**نکته:** گفته اند وقت اختیاری نماز ظهر زمانی است که شاخص به اندازه چهار هفتم شاخص شود و اگر عمداً و بدون عذر از این زمان تأخیر انداخته شود گناه کرده اند. برخی گفته اند: اگر نماز ظهر را تأخیر بیندازد تا سایه شاخص به اندازه خود شاخص شود گناه کرده است. که نقل شده است شیخ در مبسوط این را می گوید.

روایات مسأله را بررسی می کردیم: راجع به روایت چهارم که روایت ابراهیم کرخی بود مناسب است برگردیم و استدلال صاحب حدائق به این روایت را تقویت کنیم و حقّ مطلب را أدا کنیم:

**روایت چهارم**

وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ الْكَرْخِيِّ قَالَ: ***سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ مُوسَى ع مَتَى يَدْخُلُ وَقْتُ الظُّهْرِ- قَالَ إِذَا زَالَتِ الشَّمْسُ فَقُلْتُ مَتَى يَخْرُجُ وَقْتُهَا- فَقَالَ مِنْ بَعْدِ مَا يَمْضِي مِنْ زَوَالِهَا أَرْبَعَةُ أَقْدَامٍ- إِنَّ وَقْتَ الظُّهْرِ ضَيِّقٌ لَيْسَ كَغَيْرِهِ- قُلْتُ فَمَتَى يَدْخُلُ وَقْتُ الْعَصْرِ- فَقَالَ إِنَّ آخِرَ وَقْتِ الظُّهْرِ هُوَ أَوَّلُ وَقْتِ الْعَصْرِ- فَقُلْتُ فَمَتَى يَخْرُجُ وَقْتُ الْعَصْرِ- فَقَالَ وَقْتُ الْعَصْرِ إِلَى أَنْ تَغْرُبَ الشَّمْسُ- وَ ذَلِكَ مِنْ عِلَّةٍ وَ هُوَ تَضْيِيعٌ- فَقُلْتُ لَهُ لَوْ أَنَّ رَجُلًا صَلَّى الظُّهْرَ- بَعْدَ مَا يَمْضِي مِنْ زَوَالِ الشَّمْسِ أَرْبَعَةُ أَقْدَامٍ- أَ كَانَ عِنْدَكَ غَيْرَ مُؤَدٍّ لَهَا- فَقَالَ إِنْ كَانَ تَعَمَّدَ ذَلِكَ- لِيُخَالِفَ السُّنَّةَ وَ الْوَقْتَ لَمْ تُقْبَلْ مِنْهُ- كَمَا لَوْ أَنَّ رَجُلًا أَخَّرَ الْعَصْرَ- إِلَى قُرْبِ أَنْ تَغْرُبَ الشَّمْسُ مُتَعَمِّداً- مِنْ غَيْرِ عِلَّةٍ لَمْ يُقْبَلْ مِنْهُ- إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص قَدْ وَقَّتَ لِلصَّلَوَاتِ الْمَفْرُوضَاتِ- أَوْقَاتاً وَ حَدَّ لَهَا حُدُوداً فِي سُنَّتِهِ لِلنَّاسِ- فَمَنْ رَغِبَ عَنْ سُنَّةٍ مِنْ سُنَنِهِ الْمُوجَبَاتِ- كَانَ مِثْلَ مَنْ رَغِبَ عَنْ فَرَائِضِ اللَّهِ***.[[1]](#footnote-1)

**تقریب استدلال:** وقت نماز زمانی که سایه شاخص به چهار قدم یعنی چهار هفتم شاخص برسد تمام می شود و وقت نماز ظهر ضیّق است. و آخر وقت ظهر ابتدای وقت عصر است و نماز عصر برای معذور تا غروب آفتاب ادامه دارد ولی اگر بدون عذر باشد و اختیاراً تأخیر انداخته شود تضییع است.(و هو تضییع یعنی اذا صدر من غیر علّۀ و ظاهرش این است)

حال اگر کسی نماز ظهر را بعد از این که سایه شاخص به چهار هفتم رسید، بخواند: آیا به نظر شما نماز ظهر را أدا نکرده است؟ حضرت می فرماید: ***فَقَالَ إِنْ كَانَ تَعَمَّدَ ذَلِكَ- لِيُخَالِفَ السُّنَّةَ وَ الْوَقْتَ لَمْ تُقْبَلْ مِنْهُ- كَمَا لَوْ أَنَّ رَجُلًا أَخَّرَ الْعَصْرَ- إِلَى قُرْبِ أَنْ تَغْرُبَ الشَّمْسُ مُتَعَمِّداً- مِنْ غَيْرِ عِلَّةٍ لَمْ يُقْبَلْ مِنْهُ- إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص قَدْ وَقَّتَ لِلصَّلَوَاتِ الْمَفْرُوضَاتِ- أَوْقَاتاً وَ حَدَّ لَهَا حُدُوداً فِي سُنَّتِهِ لِلنَّاسِ- فَمَنْ رَغِبَ عَنْ سُنَّةٍ مِنْ سُنَنِهِ الْمُوجَبَاتِ- كَانَ مِثْلَ مَنْ رَغِبَ عَنْ فَرَائِضِ اللَّهِ***.

#### مناقشه در استدلال به این روایت

آقای خویی فرموده است: در این روایت، تأخیر نماز به خاطر مخالفت با سنّت و اعراض از سنّت و رغبت از سنّت است و معلوم است که این کار حرام است.

#### جواب

**أولاً:** صاحب حدائق می تواند به صدر روایت تمسّک کند ***مَتَى يَخْرُجُ وَقْتُهَا- فَقَالَ مِنْ بَعْدِ مَا يَمْضِي مِنْ زَوَالِهَا أَرْبَعَةُ أَقْدَامٍ*** و نیز به (و هو تضییع) می تواند تمسّک کند(که در نماز عصر گفته است اگر آن را نزدیک غروب آفتاب بخوانی تضییع است) تضییع است یعنی خلاف محافظت بر صلوات است: «حافظوا علی الصلوات» محافظت بر صلوات واجب است، «إعرفوا شیعتنا بالمحافظه علی الصلوات»، و تضییع، خلاف محافظت بر نماز است.

**ثانیاً:** صاحب حدائق می تواند جواب بدهد که: کسی نماز ظهر و عصر را به هدف دهن کجی به سنّت پیامبر، انجام نمی دهد و لذا طبق این معنا روایت مورد ندارد، کسی که می خواهد این کار را انجام دهد و به سنّت پیامبر دهن کجی کند، أصلاً چرا نماز می خواند.

حال در نماز مغرب به خاطر بدعت أبی الخطّاب که نماز را بعد از پیدا شدن ستاره ها می خواند این تعبیر مورد دارد ولی در مورد نماز ظهر که همه ابتدای آن را زوال می دانند، موردی برای این معنا پیدا نمی شود.

لذا مخالفت با سنّت موضوعیّت ندارد و ظاهر روایت این است که لام، لام عاقبت است مثل (فَالْتَقَطَهُ آلُ فِرْعَوْنَ لِيَكُونَ لَهُمْ عَدُوّاً وَ حَزَناً***[[2]](#footnote-2)***) نتیجه کار این شخص و تعمّد او مخالفت با سنّت است و لام برای غایت است و مؤیّد آن هم این است که در ادامه من غیر علّۀ را آورد ولی لیخالف السنّۀ را ذکر نکرد.

**ثالثاً:** این معنایی که ایشان می فرماید(که رغبت از سنّت پیامبر حرام است) اختصاص به سنن موجبات ندارد و شامل سنن مستحبّات هم می شود، در حالی که روایت در رابطه با سنن موجبات فقط صحبت می کند. رغبت از سنّت پیامبر مثل رغبت از فرائض الله است یعنی عمداً ترک نکنید. لذا این هم مؤیّد صاحب حدائق است که مورد روایت را سنن موجبات یعنی سننی که أوجبها و سنن واجبۀ، قراد داد و اگر معنای آقای خویی مراد روایت بود وجهی نبود مطلب را مختص به سنن موجبات کند.

#### مناقشه شیخ انصاری ره

این که در روایت می گوید: ***قُلْتُ فَمَتَى يَدْخُلُ وَقْتُ الْعَصْرِ- فَقَالَ إِنَّ آخِرَ وَقْتِ الظُّهْرِ هُوَ أَوَّلُ وَقْتِ الْعَصْرِ***؛ یقیناً مراد از «أول وقت العصر» اول وقت اجزاء نیست و مراد أول وقت فضیلت است و أول وقت اجزاء از زوال شمس است لذا روایت در رابطه با وقت فضیلت صحبت می کند که آخر وقت فضیلت ظهر، أول وقت فضیلت عصر است. و ارتباطی به بحث وجوب اتیان به نماز ظهر قبل از این که سایه شاخص به چهار هفتم برسد، ندارد.

#### جواب

قبول داریم که أول وقت عصر به معنای أول وقت فضیلت است أمّا قرینه نمی شود که مراد از آخر وقت ظهر، آخر وقت فضیلت ظهر باشد. چه اشکالی دارد آخر وقت نماز ظهر، که دیگر نمی توان اختیاراً آن را تأخیر انداخت، ابتدای وقت فضیلت عصر باشد. و ما این معنا را از روایت به دست آوردیم: روایت گفت ان کان تعمّد ذلک لم یقبل منه اگر عمداً نماز را از چهار هفتم شاخص تأخیر بیندازید مقبول نیست و آن را نمی پذیرند و مؤاخذه می شوید که چرا این کار را کردید( نه این که باطل باشد، مثل رغبت از فرائض الله که مؤاخذه دارد): لذا آخر وقت ظهر یعنی آخر وقتی که اختیاراً می تواند نماز ظهر را بخواند و تأخیر از آن جایز نیست که این زمان ابتدای وقت فضیلت عصر است و مشکلی ندارد.

و شخص هم بر فرض اگر متحیّر شد، سؤال کرد که اگر بعد از رسیدن شاخص به چهار هفتم رسید آیا نماز را أداء کرده است یا نه؟ که حضرت می فرمایند این گناه است.

### رفع ید از روایت به خاطر وجود قرینه

لذا انصاف این است که این روایت أقوی الروایات در دلالت بر مدّعای صاحب حدائق است ولی با دو قرینه مجبوریم از این روایت رفع ید کنیم:

#### قرینه أول

روایات دیگر که از آن استحباب تعجیل فهمیده می شود نه وجوب،مثل؛

**روایت أول،صحیحه زراره**: وَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ زُرَارَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ ع أَصْلَحَكَ اللَّهُ وَقْتُ كُلِّ صَلَاةٍ- أَوَّلُ الْوَقْتِ أَفْضَلُ أَوْ وَسَطُهُ أَوْ آخِرُهُ قَالَ أَوَّلُهُ- إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص قَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ- يُحِبُّ مِنَ الْخَيْرِ مَا يُعَجَّلُ.[[3]](#footnote-3)

اگر بنا بود اتیان به نماز ظهر در حال اختیار قبل از رسیدن ظلّ به چهار هفتم، واجب باشد این تعبیر عرفی نبود که إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ- يُحِبُّ مِنَ الْخَيْرِ مَا يُعَجَّلُ. لسان این روایت بیان استحباب است: اگر واجب بود تعبیر نمی کردند که خدا کار خیری که با عجله انجام شود را دوست دارد.

و مراد از أول وقت، به این قرینه که نماز عصر در ابتدای ظهر أفضل نیست، ابتدای زوال نیست بلکه مراد وقت فضیلت است: ما یک وقت فضیلت و یک وقت متوسّط و یک وقت آخر داریم: که ذیل می گوید بهتر است در وقت فضیلت بخوانی.

نکته: روایات مربوط به أوقات نماز مختلف بوده است و خود زراره از کسانی بوده است که درگیر این روایات بوده است. کان یصل الظهر اذا بلغ الظل مثله و کان یصل العصر اذا بلغ الظل مثلیه و زراره هم این ها را شنیده بود لذا برایش سؤال بود که در چه وقتی بهتر است نماز را بخواند. و زراره با این که وقت فضیلت را می دانست این را پرسید.

در روایتی می گوید: راوی سؤال می کند که چرا شیعیان شما این قدر اختلاف دارند وقتی وارد مسجد می شوم یکی نماز ظهر می خواند و یکی نماز عصر می خواند؛ حضرت فرمود من خودم بین آن ها اختلاف انداختم تا اختلاف پیدا کنند و دشمن حسّاس نشود. که حال این روایت را بعداً می خوانیم.

**روایت دوم، روایت داود بن فرقد:** که به نظر ما معتبره است و مثل روایت ابراهیم بن کرخی، ابن أبی عمیر از او روایت نقل می کند لذا اگر مشکل داشته باشد هر دو روایت مشکل دار می شوند.

وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ الْبَرْقِيِّ وَ الْعَبَّاسِ بْنِ الْمَعْرُوفِ جَمِيعاً عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ عُرْوَةَ عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَارَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ وَقْتِ الظُّهْرِ وَ الْعَصْرِ- فَقَالَ إِذَا زَالَتِ الشَّمْسُ- دَخَلَ وَقْتُ الظُّهْرِ وَ الْعَصْرِ جَمِيعاً إِلَّا أَنَّ هَذِهِ قَبْلَ هَذِهِ- ثُمَّ أَنْتَ فِي وَقْتٍ مِنْهُمَا جَمِيعاً حَتَّى تَغِيبَ الشَّمْسُ.[[4]](#footnote-4)

این که فرموده أنت فی وقت منهما یعنی فی سعۀ منهما، که به معنای جواز تأخیر است و با تضییع بودن و رغبت از سنّت بودن سازگار نیست. و عرفی نیست که اطلاق را مختص به حال اضطرار کنیم و حمل بر أفراد مضطرّ کنیم. روایت دیگرگفت اگر «من غیر علّۀ» تأخیر بیندازید تضییع است و نمی توان به خاطر این روایت، روایت محل بحث را حمل بر معذورین کنیم مثلاً گفته شود: خوردن شیر حلال است بعد بگوییم این حکم تنها برای مریض ها است، این عرفی نیست.

**نکته:** ثمّ أنت فی وقت منهما ظاهرش حکم تکلیفی است یعنی مهلت داری، نه این که به معنای حکم وضعی باشد که زمان هنوز باقی است.

#### قرینه دوم: فتاوای عامه

به نظر ما روایت ابراهیم کرخی ظهورش موافق با قول عامه است: که می گویند وقت نماز ظهر تا غروب آفتاب نیست و در این روایت هم می گوید وقت نماز ظهر تا زمانی است که سایه شاخص به چهار هفتم برسد و وقت نماز ظهر ضیّق است و مثل نماز عصر نیست. قسمتی از روایت مطابق با فتاوای عامّه است.

و تسالم قطعی از أصحاب داریم که وقت نماز ظهر تا غروب آفتاب است و این روایت می گوید وقت نماز ظهر ضیّق است، و این لسان موافق عامه است و شمای صاحب حدائق می خواهی توجیه کنی که به این معنا است که اختیاراً تأخیر نینداز ولی اگر تأخیر بیندازی ولو اختیاراً، قضاء نمی شود.

این کار، حمل روایت بر خلاف ظاهر است و توجیه است، ما نمی توانیم روایتی که ظهورش موافق عامه و خلاف تسالم شیعه است حمل بر خلاف ظاهر کنیم و آن را أخذ کنیم. این حمل متعیّن نیست و می توان حمل بر وقت فضیلت و تأکّد استحباب کرد.

روایت می گوید وقت نماز ظهر تا بلوغ ظلّ به چهار قدم است و وقت نماز عصر تا غروب است؛ طبق بیان شما چه فرقی بین نماز ظهر و عصر است که نماز عصر تا غروب شمس وقت دارد ولی نماز ظهر تا چهار قدم فرصت دارد اگر وقت اختیاری را می گویید، وقت اختیاری نماز عصر هم تا غروب آفتاب نیست. و اگر وقت اضطراری را می گویید نماز ظهر هم وقت اضطراری اش تا غروب ادامه دارد.

عامّه ظاهراً قائل به أربعۀ أقدام نیستند (الفقه علی المذاهب الاربعه،ج1ص278، و مغنی ابن قدامه،ج1ص225)، نوعاً می گویند وقت ظهر قبل از غروب آفتاب تمام می شود؛ حال برخی می گویند با بلوغ الظل مثله وقت نماز ظهر تمام می شود و أبو حنیفه می گوید با بلوغ الظل مثلیه وقت نماز تمام می شود. و تنها از طاووس نقل کرده اند که وقت نماز ظهر تا غروب آفتاب است مثل مشهور فقهای امامیه. مشهور عامّه می گویند وقت نماز ظهر تمام می شود و فقط در کتاب مغنی ابن قدامه از مالک نقل می کند که اگر از بلوغ الظل مثله یا مثلیه عمداً تأخیر بیندازد أداء است و قضاء نیست. و این روایت در این که آخر وقت نماز ظهر را غروب آفتاب قرار نداد، موافق عامه می شود و لااقل مصداق این معتبره می شود که:

وَ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَمَاعَةَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ أَيُّوبَ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَا سَمِعْتَهُ مِنِّي يُشْبِهُ‏ قَوْلَ‏ النَّاسِ‏ فِيهِ التَّقِيَّةُ وَ مَا سَمِعْتَ مِنِّي لَا يُشْبِهُ‏ قَوْلَ‏ النَّاسِ‏ فَلَا تَقِيَّةَ فِيه‏[[5]](#footnote-5)

1. وسائل الشيعة، ج‌4، ص: 149‌ [↑](#footnote-ref-1)
2. قصص/8 [↑](#footnote-ref-2)
3. وسائل الشيعة، ج‌4، ص: 122‌ [↑](#footnote-ref-3)
4. وسائل الشيعة، ج‌4، ص: 126‌ [↑](#footnote-ref-4)
5. وسائل الشيعة، ج‏22، ص: 285 [↑](#footnote-ref-5)